

مقدمه‌ی چاپ سوم

بر اساس معارف برگرفته از محکّمات دینی، انسان بعد از خلقت ﴿كَانَ شَيْئًا وَلَمْ يَكُنْ مَذْكُورًا﴾^۱ مسیری طولانی را می‌پیماید. تا با گذر از عوالم، به ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُتَتَّبِعِ﴾^۲ برسد.

یکی از این عالم‌ها، دنیای مادی است. انسان بعد از سرشتگی و تولّد ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ﴾^۳، وارد حیات دنیوی شده و عبورش از آن با مرگ به پایان می‌رسد و وارد عالم‌های بعدی می‌شود.

مباحث پیرامون این عرصه، به اصطلاح در چهارچوب «تکوّن و معاد» تعریف و بررسی می‌گردد. گستره‌ی وسیع این مباحث، شامل چنین موضوع‌هایی است: کیفیت و چگونگی خلقت و پیدایش هستی، به خصوص آفرینش انسان، در کجا؟ و چگونه؟ و وضعیّت وی در گذر از مراحل و عوالم مختلف، دنیا و خلقت دنیوی انسان، مرگ، برزخ، قیامت و چگونگی حشر انسان، بهشت و دوزخ.

هم‌چنین عوامل و علل دچار گشتن به فرجامی بد و سقوط در ﴿أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾^۴ و

۱. بحث تکوّن انسان همین اثر: نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۸.

۲. نجم (۵۳) / ۴۲.

۳. دهر (۷۶) / ۲.

۴. تین (۹۵) / ۵.

یا رسیدن به پایانی نیکو و درخشان، و صعود به فلاح و رستگاری ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾^۱ در همین چهارچوب بررسی می‌گردد.

انسان به مقتضای فطرت و ساختار فطری خود - که از زوال و فناگریزان است - دنبال یافتن نسخه‌ای برای حلّ معضل «نابودی و فنا» است و به شدّت در چاره‌جویی برای رسیدن به جاودانگی و ابدیت بوده و هست.

عاقبت به خیری، ختم به خیر در دوران حیات دنیوی و حفظ و مصون ماندن از عاقبت سوء و ختم به شر، دغدغه و نیاز همه‌ی انسان‌هاست. بررسی تاریخ حیات بشری از اقشار مختلف، طبقات و گروه‌ها، اقوام و ملل و قدرت‌های حاکم، گویای تلاش‌ها و اقدام‌های فراوان انسانی در طول قرون برای نیل به این هدف است.

پاسخ دین اسلام به این دغدغه‌ی فطری انسان - مانند سایر ادیان الهی - معرفتی راهی روشن و آشکار است: صراط مستقیم ﴿وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^۲؛ آن‌هم با راهنمایی مبعوث؛ ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ * عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۳.

اعتقاد و ایمان به این معارف و اطاعت از انبیا و اوصیای الهی، که منت بزرگ الهی بر بندگانند؛ ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ﴾^۴ پاسخی روشن و راهی آشکار، فرا روی بشریت است که به حتم و یقین به فوز و فلاح منتهی می‌گردد، برنامه‌ای ابدی و جاودانی با محوریت ثقلین. همین مهم را در تعالیم نورانی پیشوایان دین نیز شاهدیم: ﴿وَ اخْتِم بِالْخَيْرِ عَمَلِي وَ اجْعَلْنِي مِّنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَخْلَلْتَهُمْ بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ﴾^۵ بر همین اساس، یافتن پاسخی مطمئن، منهای قویم و وثیق برای تأمین این غرض و رسیدن به پایان نیک و سعادت جاودان، بزرگ‌ترین آمال و تمنای فطری انسان‌ها بوده است. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از شنیدن خبر شهادت خود، این سؤال را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: وَ ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِّنْ دِينِي؟

۱. فجر (۸۹) / ۲۸.

۲. یس (۳۶) / ۶۱.

۳. یس (۳۶) / ۳ و ۴.

۴. آل عمران (۳) / ۱۶۴.

۵. بحارالانوار ج ۹۱، ص ۱۴۹. مناجات دهم، مناجاة المتوسّلین، از امام سجّاد علیه السلام.

و آن حضرت پاسخ دادند: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ.^۱

اما همين منهج مبين و تدبير الهی با تحريف و تاويل های باطل و انحراف در معارف مأثور، از سوی اصحاب سقيفه و جریان نفاق حاکم به انشعاب ها و پراکندگی هایی دچار گردید و تلخ تر اینکه با وجود «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابُ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي»^۲ میدان و مجالی مزورانه برای مدعیان نحله های بشری و پیروان ادیان منسوخ و مکاتیب بشری فراهم گشت که حاصل آن، پدید آمدن کج راهه ها و کرانه هایی تاریک در صراط مستقیم بود.

در مقابله با این امواج فتنه و نفاق، اقدامات ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) در حفظ دین و باور و ایمان اهل دین، با بیان و تبلیغ، تبیین و توضیح معارف «... يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا»^۳، تربیت اصحاب و رجال دین و راه اندازی مدارس علوم و معارف شیعه و ایجاد مرزبندی های میان حق و باطل «... شَرِّقًا وَ غَرِّبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۴ موجب شد که هجمه های ویرانگر شیطانی خنثی گردد و مدعیان بی ریشه رسوا شوند. و مهم تر اینکه اساس دین استوار و محکم بماند. اما مقابله و تهاجم باطل هم چنان پا بر جاست.

با فرار سیدن دوران غیبت و محرومیت از انتفاع از وجود مبارک امام زمان - عجل الله فرجه الشریف - ادامه‌ی مسیر حفظ دین و ایمان و باور اهل دین با اتخاذ تدابیری مانند «نیابت و سفارت» و البته با هدایت حضرت ولّی عصر (علیه السلام) بر عهده‌ی علمای متعهد و امناء الرسل و حوزه های علمیه‌ی شیعه قرار گرفت. تدابیری مبارک و اثربخش به کار رفت که حاصل آن عبور با عزّت از دوران سخت و شکننده‌ی حیرت و سردرگمی بود. شیعه با وجود همه‌ی اذیت و آزار، فشار و حبس، عناد و دشمنی، قتل و غارت و آتش زدن منابع و آثار علمی، با اعتصاب به حبل ولایت و دنباله روی عالمان متعهد و مؤید، به سلامت از آن دوران عبور نمود.

۱. امالی صدوق، ص ۹۵.

۲. کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۴۷.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۹.

۴. بصائر الدرجات ج ۱، ص ۱۰.

بدون شک تلاش و مجاهدت صورت گرفته از سوی حوزه‌های علمیّه شیعه و حوزویان عالم که همه‌ی توان و قدرت خود را به کار بستند تا امانت دین و باور و ایمان اهل دین از فتنه‌های ابلیس و جنود و اعوان او حفظ شود، ستودنی است. البتّه این خدمتگزاران مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مصایبی سنگین از غارت اموال و آثار، آوارگی، حبس و شهادت و مظلومیّت‌های مضاعف را متحمّل شدند، امّا به لطف و عنایت امامان خود، استوار و مستقیم و با عزّت پابرجا ماندند و به تکالیف و وظایف خود عمل کردند. حاصل آن، اینکه زلال دین و معارف مدرسه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام حفظ گردید. و امروزه حوزه‌های علمیّه‌ی معارف و علوم شیعه از پررونق‌ترین مجامع علمی جهان به شمار می‌آید. و این درخشش و تابناکی علمی افتخاری است بس بلند، مبارک و زنده.

جریان مبارک تعبّد به یافته‌های معارف و حیانی و اصرار بر تنظیم هندسه‌ی معرفتی مبتنی بر بینش و حیانی، نه امری حادث و نوپدید، بلکه جریان قویم و ریشه‌دار از زمان ائمّه‌ی اطهار علیهم‌السلام است که با بهره‌گیری از اصول و محکّمات ارائه شده از سوی امامان معصوم و اجتهاد و استنباط‌های عقلی فقیهانه و مرزبندی با جریان‌های متصلّب اخباری‌گری و بدون وام‌گیری و انضمام معرفتی از یافته‌های بشری - به خصوص علوم‌ی که از مکاتب اندیشه‌ای مدنیّت‌های قبل از اسلام - ایجاد شده است.

این جریان ریشه‌دار زنده که با اتصال به معارف ثقلین و آبشخورهای معصومین - که برگرفته از چشمه‌ی علم الهی آنان است - بنیان یافته و در جریان زمان تا همین امروز ما استمرار دارد، بزرگانی نستوه و نام‌آور را تربیت و معرفی نموده است. عالمانی نام‌آور، عمیق و ژرف‌نگر که در هر برهه‌ای مشعل‌داری این جریان مبارک را عهده‌دار بوده و اعتقادات و معارف کلامی (فقه اکبر) را هم‌پای مباحث فقه و اصول، رونق بخشیدند.

یکی از نتایج و آثار فعالیت‌های ایشان، فراهم آمدن ذخایر و منابع ارزشمندی در مباحث اعتقادی است، منابعی با عظمت و اعتبار که به عنوان مبنا و معیار علمی در دیگر مذاهب یا مجامع علمی نیز پذیرش شده است. اقدام‌های سترگ متکلمان و

مدافعان حریم دین در دفاع از ولایت و امامت و استوارسازی مبانی اعتقادی شیعه، قاطع و معقول بوده است.

با وجود همه‌ی این تلاش‌ها، اما در عرصه‌ی معاد - که از مهم‌ترین فصل‌های ایمان به غیب است - خلأها و گره‌های معارفی و محتوایی هم‌چنان رخ می‌نماید و نیاز به بررسی‌های افزون‌تر دارد. البته می‌دانیم که هم‌پذیرش معاد - به تصریح آیات قرآن - سخت موردانکار و تمسخر کفار و مشرکین بوده است ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ﴾^۱ و این عناد هم‌چنان تا همین دوران نیز استمرار دارد؛ و هم نظرات و آرای بیان شده از سوی ارباب مذاهب و جریان‌های علمی درانکار و یا توجیه و یا ارائه‌ی تعاریف بر ساخته از معاد، بانگاه و حیانی - که به صراحت بر جسمانی بودن آن تأکید دارد - منافات و تعارض دارد. این عرصه‌ی معرفتی غامض و غیب، محل ورود بسیاری از صاحبان آرا و نظریات گشته و مطالب پراکنده و رهن انبوهی بیان شده است؛ لذا پرداختن به مباحثی قویم و بابره گیری از محکّمات «قرآن»، «حدیث» و «عقل» درباره‌ی تکوّن نظام خلقت و آفرینش و سرشتگی انسان بسیار لازم و ضروری است.

کیفیت حرکت موجودی ممتاز به نام انسان و مخاطب الهی در عوالم تا ورود به عالم دنیا چگونه بوده است؟ خلقت دنیوی او بعد از سرشتگی از تراب «خَلَقْتَنِي مِنْ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ ... فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي»^۲ چگونه است؟ حیات دنیوی و مراحل آن چیست؟ براساس مبانی قویم شیعه، مرگ و عوالم بعد؛ برزخ و قیامت؛ حشر انسان‌ها و رسیدگی به اعمال؛ پاداش و جزا و بهشت چگونه تبیین می‌گردد؟ این اثر در پاسخ و بررسی این پرسش‌های محوری شکل گرفته است و با پژوهش‌های فراوان و غور در آیات و احادیث و دلایل عقلی، و سپس بحث و ملاحظه‌ی آرا و انظار اندیشوران از مکاتب و نحله‌های علمی دیگر و آرای متکلمین و فلاسفه و سنّجش با آموزه‌های صریح منبعث از معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) انجام یافته و تصویری روشن درباره‌ی «تکوّن و معاد» ارائه می‌نماید.

۱. یس (۳۶) / ۷۸.

۲. اقبال ج ۱، ص ۳۴۰ (دعای عرفه‌ی امام حسین (علیه‌السلام)).

«معاد از دیدگاه قرآن، حدیث و عقل» حاصل تلاش حدود بیست سال مرحوم والد، آیه الله، جناب آقای حاج شیخ حسین ربّانی میانجی رحمته الله است. معظمّ له بعد از حضور در حوزه‌ی علمیّه‌ی میانه و خوشه چینی علمی از محضر عالمان متخلّق، به قم عَشّ آل پیامبر علیهم السلام مهاجرت نمود. حاصل بهره‌گیری از اساطین علم و معنویّت، کسب جایگاهی منبع و ارزشمند در جمع یاوران دین و ولایت بود. وی بابرگرفتن بهره‌های علمی از اساتید علم و معرفت: حضرات آیات میرزا ابومحمّد حجتی، میرزا لطفعلی زنوزی، میرزا هادی نیّری در میانه؛ و مراجع عالی‌قدر و عظام حضرات آیات بروجردی، حجت کوهکمره‌ای، محقّق داماد، امام خمینی، گلپایگانی و دیگر بزرگان -رحمة الله علیهم- در حوزه‌ی علمیّه قم، پس از حضور در درس رایج حوزوی و در سطوح عالی و خارج، به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اجازات صادره و عبارات مندرج از سوی مراجع وقت، گویای جایگاه علمی و اجتهادی معظمّ له است. هم‌چنین در حوزه‌ی معارف کلامی و مباحث قرآنی، بیشترین بهره‌ها را از جلسات و مباحث معارفی مرحوم آیه الله علامه محمّدباقر ملکی میانجی داشته‌اند و مدّتی نیز از جلسات مرحوم علامه طباطبایی بهره‌مند بوده‌اند؛ رحمة الله علیهما.

جایگاه و قدرت علمی، مطالعه و ژرف‌نگری، تلاش بی‌وقفه -دو دهه- در تألیف عربی و بازنگری بازنویسی فارسی این کتاب، مباحثات گروهی و تتبّع در متون و منابع دینی موجب گردید که این اثر، منبعی متقن و مبنا و مورد پذیرش قرار گیرد. مرحوم والد -رحمة الله علیه- به حدّی به این اثر و مطالب آن باور داشتند و معتقد بودند که وصیّت نمودن یک جلد از اثر بر روی سینه‌شان در قبر قرار داده شود.

با توجّه به وجود شرایط خاص و دستی بودن حروف چینی در چاپ اوّل، و نقایصی در تنظیم اثر، نیز با دریافت نقطه‌نظرات اهل فضل و محقّقین، نظر مرحوم والد بر تجدید نظر به جهت رفع کاستی‌ها و برطرف نمودن نواقص قرار گرفت. لذا با همکاری و معاضدت اخوی مکرم، حاج شیخ ابراهیم و حقیر اقدامی کامل در این راستا صورت گرفت. به فضل الهی، چاپ دوم کتاب، مورد اقبال جامعه‌ی علمی، توجّه و تقدیر مراجع عالی‌قدر، محقّقان و دین‌پژوهان واقع شد، که گویای مقبولیّت و اعتبار علمی مباحث بود.

با اتمام نسخ چاپ دوم، و ضرورت تجدید چاپ، چنین تصمیم گرفته شد که قبل از هر اقدامی، ویرایشی تفصیلی و تنظیم اساسی انجام یابد تا برای نوبت سوم، ترکیب بندی عبارات بازبینی شود، تنظیم و نگارشی نو صورت پذیرد، ساختار بندی و عبارت پردازی ها سامان یابد و ارجاعات تکمیل و نقایص برطرف گردد. اکنون به فضل الهی و تلاش های صورت گرفته، اثر، در قالبی نو فراهم گشته و آماده‌ی ارائه به پژوهشگران و علاقه مندان است؛ الحمد لله.

به حکم قدر شناسی، وظیفه می دانم از همه‌ی بزرگوارانی که نظرات خود را ارائه و ملاحظات و نکاتی را بیان داشتند و یا برای داشتن نسخه‌ای از اثر اصرار نمودند، سپاسگزاری نموده، نیز همراهی خیرانی عالم و دلسوز را که علاقه مند بودند تا کتاب در اختیار طلب و محققان قرار گیرد، صمیمانه ارج می نهم. از اخوی مکرم جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابراهیم ربّانی و حجة الاسلام سید رسول خوشور، و نور دیدگان صالح شیخ احمد آقا، آقاهادی و آقامحمد حسین که در امور محتوایی و مراجعات و تنظیمات از همکاری و همیاری دریغ نداشتند، تشکر می نمایم. هم چنین از فاضل متعهد و دلباخته‌ی احیای معارف اهل بیت (علیهم السلام) مرحوم آقای حاج محسن پورمندی، مدیر محترم «انتشارات نیک معارف» و عوامل محترم ویرایش، حروف چینی و مقابله، صفحه آرایی و اعمال اصلاحات، و به خصوص جناب آقای سید مهدی هاشمیان، مدیر فرزانه و پرتلاش فعلی انتشارات، و همه‌ی همکاران مرتبط تقدیر و تشکر می نمایم. هم چنین از همراهی و حوصله و قبول زحمات همسر مکرمه تشکر می نمایم. امیداینکه چنین همراهی و مساعدت ها که در جهت احیای معارف مکتب تشیع و معارف نورانی دین صورت می گیرد، به عنایت و قبولی حضرت ولّی عصر - عجل الله فرجه الشریف - مبارک و توشه‌ای نافع برای «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^۱ باشد. بمنّه و فضله.

محمد تقی ربّانی